

## جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی

علیرضا سمیعی اصفهانی<sup>۱</sup>

سارا فرحمند<sup>۲</sup>

### چکیده

جنگ در اوکراین، اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپا-محور به شمار می‌آید، اما در عمل درگیری «قدرت جهانی» است که حول محور فروپاشی پیش‌بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می‌کشد. در چنین شرایطی نگرش، رفتار و عملکرد بازیگران درگیر در جنگ، پیامدهای مهمی می‌تواند برای آینده سیاست جهانی در پی داشته باشد. از این‌رو نوشتار پیش‌رو می‌کوشد ضمن بررسی و تحلیل جنگ روسیه و اوکراین بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که سناریوهای پیش‌روی جنگ روسیه و اوکراین چه خواهد بود؟ و این جنگ چه تبعات و پیامدهایی می‌تواند برای آینده نظم بین‌الملل در پی داشته باشد؟ با بهره‌گیری از این روش، روسیه مقاله براین باورند که چهار سناریو در سه دسته‌بندی می‌توان مطرح نمود: الف) سناریوی مطلوب از منظر روسیه؛ ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی؛ ب) سناریوی محتمل؛ الف) توافق صلح (با بازیگری کشورهای چون، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل، ب) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی؛ ج) سناریوی ممکن؛ وقوع جنگ هسته‌ای. یافته‌های پژوهش می‌دهد که جنگ اوکراین به عنوان نقطه عطف/محرک بر نظم بین‌الملل تأثیرگذار بوده و پساجنگ اوکراین، نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی خواهد شد. تأثیر این جنگ در سطح بین‌الملل، قطعی شدن بیش از پیش امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک‌تر شدن سیاست بین‌الملل خواهد بود. این جنگ همچنین، سبب تقویت موقعیت رهبری ایالات متحده در سطح جهان، به هزینه شرکای اروپایی شده است.

### واژگان کلیدی:

جنگ، روسیه، اوکراین، ناتو، نظم بین‌الملل.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج- ایران (نویسنده مسئول)  
asamiei@yu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور قزوین، قزوین- ایران

sfarahmand۴۵۷@yahoo.com

## مقدمه

از سال ۲۰۱۴ به این سو، تحولات اوکراین به یکی از چالش‌های مهم در روابط آمریکا و روسیه تبدیل شده است. با این حال، گذشت زمان نه تنها به حل این بحران کمک نکرده بلکه همسو با افزایش تنش‌ها میان دو کشور و عزم روسیه برای مقابله با پیشروی ناتو، بحران اوکراین و به تبع آن بحران در روابط روسیه و غرب تشدید شده است. در واقع بحران اوکراین زمانی به سمت جنگ حرکت کرد که رئیس‌جمهور روسیه از یک سو دو استان لوهانسک<sup>۱</sup> و دونتسک<sup>۲</sup> در شرق اوکراین را به عنوان دو جمهوری خودمختار به رسمیت شناخت و نسبت به اوکراین دعای تاریخی مطرح کرد و از سوی دیگر از مجلس این کشور مجوز استفاده از نیروی نظامی در خارج از روسیه را کسب کرد. این اقدامات روسیه خود گویای اجتناب‌ناپذیری جنگ بود. بدین ترتیب وجود اختلاف بین دو کشور (اوکراین و روسیه) با وجود همه گمانه‌زنی‌ها و تعلیق‌هایی که از طرف دولت روسیه صورت می‌گرفت، حالت تهاجمی به خود گرفته و سرانجام ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بامداد پنج‌شنبه بیست‌وچهارم فوریه (پنجم اسفند ۱۴۰۰) با صدور فرمان «عملیات نظامی» علیه کی‌یف، جنگ را آغاز کرد. روسیه از شمال و از طریق بلاروس و همچنین از شرق و جنوب حمله کرد، اما مقاومت سرسختانه اوکراین باعث تلفات سنگین نیروهایش شد. این اقدام روسیه، از طرف سایر دولت‌ها با واکنش‌های شدیدی روبه‌رو گردید. اتحادیه اروپا، آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای غربی تحریم‌های شدیدی علیه این کشور اعمال کرده و اقتصاد روسیه را به شیوه‌های متنوع هدف قرار دادند. اینکه چرا روسیه جنگ علیه اوکراین را آغاز کرده است به نگرانی‌های امنیتی این کشور برمی‌گردد. در واقع از سخنان مقامات روسیه این‌گونه استنباط می‌شود که اقدامات نظامی غرب در اروپای شرقی، در ماه‌های اخیر روسیه را نگران کرده است؛ چرا که کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در هفته‌های اخیر به اوکراین و کشورهای شرق اروپا کمک زیادی کرده‌اند. اما به باور برخی از تحلیل‌گران داخلی و خارجی، مسکو در شرایط فعلی به دنبال تجدیدنظر در نظم بین‌المللی است به این دلیل که ولادیمیر پوتین از ابتدا نظام تک قطبی قدرت ایالات متحده را رد کرده است و در گرجستان، کریمه و اکنون در سراسر اوکراین، به طور یک‌جانبه از زور برای تحمیل نتیجه مطلوب و مورد نظر خود بهره گرفته است. او اوکراین را که برای

---

<sup>۱</sup> Luhansk

<sup>۲</sup> Donetsk

مدتی طولانی نقشی مهم در ایفای نظم امنیتی جهان داشته، متعلق به روسیه دانسته و با تسلط بر آن، سودای تشکیل امپراتوری جدیدی را در سر می‌پروراند. از این‌رو بسیاری از تحلیل‌گران حوزه روابط بین‌الملل و همچنین رهبران و دولتمردان سیاسی، جنگ اوکراین را به مثابه پایان رسمی دوران نظام تک قطبی به سرکردگی آمریکا و آغاز جنگ سردی جدید برآورد کرده‌اند که باعث به وجود آمدن جهانی چندقطبی و رقابتی‌تر خواهد شد. بنابراین شاید بتوان گفت جنگ اوکراین بخشی از مبارزه قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی برای شکل دادن به نظم نوین جهانی است. با این توصیف پژوهش حاضر بر آن است تا به روش آینده‌پژوهی و به‌ویژه با تأکید بر شیوه سناریونویسی، ضمن بررسی و تحلیل جنگ روسیه و اوکراین به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که سناریوهایی پیش‌روی جنگ روسیه و اوکراین چه خواهد بود؟ و این جنگ چه تبعات و پیامدهایی برای آینده نظم بین‌المللی در پی خواهد داشت؟ در این خصوص ۴ سناریو در قالب ۳ دسته‌بندی می‌توان مطرح نمود: الف). سناریوی مطلوب از منظر روسیه: ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی، ب). سناریوی محتمل؛ ۱) توافق صلح (با نقش بازیگرانی چون، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل، ۲) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی، ج) سناریوی ممکن؛ وقوع جنگ هسته‌ای.

آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده-پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید، لذا آینده-پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵). نخستین فعالیت آینده‌پژوهی به صورت علمی، در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۰ میلادی توسط گروهی از پژوهشگران به سرپرستی «ویلیام اف. آگبرن<sup>۲</sup>» در زمینه جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. با این حال، این روش در مقام فعالیتی عمومی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد، «برتراند دژوونل<sup>۳</sup>» نخستین پژوهش نظری را تحت عنوان «هنر گمان» نوشت، او در این زمینه با اشاره به اینکه «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد»، به این نتیجه رسید که یافتن مدارک و استنتاجات برای

<sup>1</sup> *Futures Study*

<sup>2</sup> *William Agburn*.

<sup>3</sup> *Bertrand Dejoonel*

آینده، نیازمند روش‌هایی غیرمتداول است (سمیعی اصفهانی؛ شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۳). لازم به ذکر است که می‌توان آینده را به سه گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد، الف) آینده ارجح: به معنای در نظر گرفتن مطلوب‌ترین رویدادها برای وقوع در آینده. ب) آینده محتمل: یعنی در نظر گرفتن رویدادهایی که بیشترین احتمال را برای وقوع در آینده دارند. این رویدادها می‌توانند به صورت بسط روندهای گذشته در آینده (به طرق مختلف) در نظر گرفته شوند (مظفری، ۱۳۸۸: ۳۵) ج) آینده ممکن: یعنی در نظر گرفتن کلیه رویدادها اعم از بد یا خوب، محتمل یا ضعیف الامکان و غیره که می‌توانند در آینده اتفاق بیفتند.

در روش آینده‌پژوهی، تکنیک‌های مختلفی برای مطالعه آینده وجود دارد مانند دیده-بانی آینده، روش دلفی، تجزیه و تحلیل روندها، تجزیه و تحلیل پیشران‌ها، نقشه راه، پس‌نگری، تبارشناسی، ریخت‌شناسی، تحلیل محتوی، الگوسازی و شبیه‌سازی و سناریوپردازی. سناریونویسی، به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، عبارت است از شرح رویدادهای آینده-ای که تحت شرایط معین، ممکن است روی دهند. سناریو شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن است که هدف از به‌کارگیری آن‌ها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آیند ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیشرو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده بپردازیم. (Makridakis & Wilberth, ۱۹۸۹: ۲۱۵) هدف سناریونویسی، شکستن محدودیت‌ها و واگراها، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهای است که می‌تواند مدنظر ما باشد (Chermak, ۱۹۸۲: ۱۲۳) (Martin, ۲۰۰۴: ۲۶۱) در رابطه با نقاط قوت سناریونویسی باید گفت که روشن کردن دید خواننده نسبت به موضوع، معنا بخشیدن به نقاط منفرد و به حداقل رساندن کاستی‌های مطرح در تصمیم‌گیری از جمله موارد مطرح هستند باین‌حال، عدم قطعیت در نتیجه‌گیری، عدم ارائه پاسخی دقیق برای هر تصمیم، گرایش بیش از اندازه به کلیات و کاهش قوه شهودی برای پیدا کردن راه حل، از نقاط ضعف وارده بر سناریونویسی می‌باشد (Chermak, ۲۰۰۵: ۵۲۵). پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف و همچنین داده‌های در دسترس، از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی که در بالا اشاره شد از روش سناریونویسی بهره گرفته است. سناریوهای

این پژوهش ترکیبی از سناریوهای هنجاری<sup>۱</sup> و اکتشافی<sup>۲</sup> با تمرکز بر دو روش «ذهن‌محور<sup>۳</sup>» و «بازیگر‌محور<sup>۴</sup>» تدوین یافته است. در روش «ذهن‌محور»، ذهن انسان پس از پذیرش انبوه داده‌ها به طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل این داده‌ها پرداخته و هر یک را در جای مناسب خود قرار می‌دهد. «آشفته‌گی فکری<sup>۵</sup>» یا [طوفان مغزی] یکی از تکنیک‌های شناخته شده در این روش است که در جای خود می‌تواند باعث ایجاد ایده‌های نوین گردد. در این روش نویسنده مجموعه‌ای از اهداف کمی و کیفی را مدنظر قرار می‌دهد. در روش «بازیگر‌محور»، بیشتر اتفاقاتی که در این دنیا رخ می‌دهند را با توجه به تعامل میان بازیگران مختلف و برحسب عملکرد، انگیزه‌ها و اهداف آن‌ها تفسیر می‌کنند بنابراین با نگاه آینده‌نگر به بازیگران و بازی‌ها می‌توان به نقش این بازیگران پی برد. سختی این کار پیش‌بینی حرکت بعدی یک بازیگر روی صحنه، فهم استراتژی پنهان در پس‌ذهن او و بینی‌پیش بازیگران بعدی آن است؛ اما روش بازیگر‌محور مزیت‌های بسیاری چون اطلاع از راه‌های مختلف پیش بردن داستان را دارا می‌باشد و مشخص می‌کند که آینده از پیش تعیین شده نیست و همه چیز به طور یکنواخت و ثابت حرکت نخواهد کرد. (تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

بدین ترتیب، سناریوهای این پژوهش با استفاده از تکنیک «آشفته‌گی یا طوفان فکری<sup>۶</sup>» و بر مبنای اهداف و نقش بازیگران جنگ چون؛ روسیه، اوکراین، آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، اسرائیل، فرانسه و چین، در سه دسته سناریوی مطلوب و محتمل و ممکن ساماندهی شده است: الف) سناریوی مطلوب از منظر روسیه؛ ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی ب) سناریوی محتمل؛ توافق صلح (با نقش بازیگرانی چون، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل، تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی؛ ج) سناریوی ممکن؛ وقوع جنگ هسته‌ای. به نگارش درآمده است. شایان ذکر است که اولویت و ترتیب سناریوها، بر پایه انگیزه‌ها، اهداف و تصورات/محاسبات بازیگر/گنش‌گر الف(روسیه) از دستاوردهای این اقدام (جنگ) تنظیم و تدوین گشته است. شیوه اجرای پژوهش نیز کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز پژوهش جهت تحلیل نیز از کتب، مقالات، پایگاه‌های اطلاعاتی علمی فارسی و لاتین استخراج گردیده است.

---

<sup>1</sup> Normative

<sup>2</sup> Exploratory

<sup>3</sup> Mind-driven

<sup>4</sup> Actor-centered

<sup>5</sup> Intellectual confusion

## عوامل تأثیرگذار بر آینده جنگ روسیه و اوکراین

اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین: اوکراین با قرار گرفتن در جنوب غربی روسیه به گونه‌ای دروازه اصلی غرب به روسیه و برعکس است. این کشور عمق استراتژیک روسیه است و به عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند. همچنین اوکراین محل ترانزیت بیش از ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه است و بدون حضور اوکراین و شاهراه عبوری انرژی روسیه به غرب، تلاش‌های روسیه فاقد نفوذ و تأثیر ژئوپلیتیک خواهد بود. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک اوکراین به نحوی است که روسیه و غرب هر کدام به دنبال افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ طرف مقابل در این کشور می‌باشند. از آنجا که روسیه از نظر ساحل در تنگنای ژئوپلیتیک به سر می‌برد و سواحل مناسبی برای استقرار نیروهای دریایی خود چه در مرزهای خود و چه در دنیا در اختیار ندارد با دست یافتن به کریمه، نه تنها می‌تواند از آن به عنوان پایگاهی لجستیکی برای تجهیز نیروی دریایی خود استفاده کند، بلکه می‌تواند به کمک آن کنترل خود را علاوه بر دریای مدیترانه، بر سوریه و حتی منطقه خاورمیانه تحکیم کند. همچنین می‌تواند دسترسی آسان تری بر کانال سوئز داشته باشد؛ به این معنا که ناوگان دریایی روسیه قادر خواهد بود به دریای سرخ، خلیج عدن، اقیانوس هند و آرام دسترسی داشته باشد (۴: ۲۰۱۴، *De Trenin*) (۶: ۲۰۱۶، *Maio*) (۱۱: ۲۰۱۵، *Tsygankov*).

ناتو: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو، یک ائتلاف نظامی است که ۱۲ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، کانادا، بریتانیا و فرانسه آن را در سال ۱۹۴۹ میلادی تشکیل دادند. بر اساس این پیمان، در صورت حمله مسلحانه به یکی از کشورهای عضو، اعضا موافقت می‌کنند که به آن کشور کمک کنند. هدف اصلی تشکیل این پیمان، مقابله با تهدید روسیه برای پیشروی در اروپای دوران پس از جنگ بود. ناتو به عنوان یک پیمان نظامی، پس از فروپاشی شوروی ۱۹۹۰ توانست با تغییر کارویژه‌های خود و با نگاه ویژه به رویکرد تسهیل مسائل سیاسی و اقتصادی غرب، وارد عرصه جدیدی از تعامل‌های دفاعی-امنیتی شود. این سازمان، با به کارگیری شورای همکاری آتلانتیک شمالی و طرح مشارکت برای صلح، وارد حیات خلوت

روسیه شد. این عملکرد ناتو که با هدف نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی، به‌ویژه برای تسلط بر منابع انرژی طراحی شده بود، کم‌کم برای تسلط بر منطقه، به غرب پاسخ مثبت داد. اکنون این سازمان، برای صلح، همه کشورهای شوروی سابق را زیر چتر طرح مشارکت ناتو درآورده است و از این راه، سعی دارد به طور کامل به این کشورها نفوذ کند (Blum, ۱۲ May ۲۰۱۴: ۱-۲؛ کوزنتسوف، ۱۳۶۱: ۲۹).

**اختلاف روسیه با غرب:** در سال‌های گذشته موضوع‌های مختلفی موجب بروز تنش میان مسکو و غرب شده است. یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها، بحران اوکراین است که با انضمام کریمه به روسیه به بالاترین سطح ممکن رسید. از نظر غرب، اشغال کریمه توسط روسیه و حمایت این کشور از شورشیان در شرق اوکراین، نظم سیاسی جهانی را دچار چالش کرده و نقض صریح قواعد بنیادین جهانی، توسط یکی از کنشگران اصلی آن است. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، مداخله نظامی روسیه در اوکراین و انضمام کریمه در واقع، واکنش مستقیم به توسعه سه‌گانه ناتو، اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه خارج نزدیک روسیه بوده است. همانطور که اشاره شد، پیشنهاد ناتو برای پیوستن اوکراین و گرجستان به این سازمان در آوریل ۲۰۰۸ در اجلاس بخارست موجب وخیم‌تر شدن روابط میان ناتو و روسیه شد (Coats, ۲۰۱۸: ۵-۷) (Gotz and Merlen, ۲۰۱۸: ۶).

**اختلافات مسکو و کی‌یف:** پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای اقماری آن، اوکراین مجدداً به کشوری مستقل تبدیل شد. روسیه و غرب و در رأس آن آمریکا رقابت بر سر این مهره کلیدی در شرق اروپا را آغاز کردند اما نقطه عطف این کشمکش‌های بین مسکو و واشنگتن به انقلاب سال ۲۰۱۴ در اوکراین باز می‌گردد که «ویکتور یاناکوویچ»<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور این کشور (که تبار روسی دارد و اهل منطقه دونباس در شرق این کشور است) از قدرت پایین کشیده شد و دولتی غرب‌گرا بر سر کار آمد. دلیل این مسئله این بود که تنش بین اوکراین و روسیه، در اواخر سال ۲۰۱۳ به دلیل توافق سیاسی و تجاری تاریخی کی‌یف با اتحادیه اروپا رو به وخامت گذاشت. سپس، در مارس ۲۰۱۴، روسیه شبه‌جزیره خودمختار کریمه در جنوب اوکراین را تحت این عنوان که از منافع خود و شهروندان روسی زبان آن دفاع می‌کند، به خاک خود ضمیمه کرد. اقدام مذکور منجر به ایجاد انگیزه در اسلاوهای دونباس،

---

<sup>۱</sup>. Viktor Yanakovich .

یعنی جداسازی منطقه مذکور از اوکراین و الحاق به روسیه پس از حدود یک قرن شد. منطقه دونباس در شرق اوکراین شامل دو استان «دونتسک» و «لوهانسک» است که در سال ۱۹۲۲ به اوکراین ملحق شد و اهالی آن اکثراً روس زبان هستند. در مقابل، مقامات دولت کی‌یف و دولت‌های عضو ناتو، روسیه را متهم به تجهیز جدایی‌طلبان کردند (New York Times, ۲۰۱۵)(McMahon, ۲۰۱۴).

## سناریوهای مطرح در مورد آینده جنگ روسیه و اوکراین

### آینده مطلوب از منظر روسیه

سناریوی مطلوب؛ ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی: روسیه تلاش دارد برای مقابله با طرح گسترش ناتو، همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی را با کشورهای خارج از بلوک غرب و ناراضی از نظم نوین، مانند چین که از جایگاه والایی در سیاست‌های ضد ناتوی روسیه برخوردار است بسط و توسعه دهد چرا که موضوع مخالفت با گسترش ناتو بارها از جانب چینی‌ها محکوم شده و این کشور گسترش ناتو را برنامه جدید غرب برای جلوگیری از ظهور قدرت جهانی چین تلقی کرده که قرار است توسط آمریکا طراحی و به مورد اجرا گذاشته شود. بنابراین آنچه که مواضع سیاسی روسیه و چین را در این سال‌ها بیشتر به هم نزدیک می‌کند دیدگاه مشترک دو کشور نسبت به نظام بین‌الملل و مخالفت با نظم لیبرال آمریکایی و غربی است (ثقفی عامری، ۱۳۸۳: ۷۵) (پیکرنیک، ۱۳۷۹: ۴۴).

چین و روسیه در سال‌های اخیر با موانع و چالش‌های متعددی چون؛ دخالت در امور داخلی آن‌ها، حضور نظامی - امنیتی در حوزه منافع حیاتی دو کشور در دریای جنوبی چین و کشورهای پیرامونی و خارج نزدیک روسیه، جنگ تجاری با چین و اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه از جانب غرب روبرو بوده‌اند که نحوه برخورد با این موانع مسکو و پکن را بیش از پیش برای تقویت روابط راهبردی به هم نزدیک کرده است (HRMMU, 20). چنانچه وانگ-یی<sup>۱</sup> وزیر خارجه چین در خصوص افزایش سطح همکاری‌های راهبردی با روسیه معتقد است:

<sup>1</sup>.Wangi



«روسیه و چین با تلاش‌های مشترک علیه ویروس‌های سیاسی و کرونا مبارزه می‌کنند. این دو کشور سنگر محکمی برای تأمین ثبات جهانی هستند. مسکو و پکن مخالف انقلاب‌های رنگی و دخالت در امور دیگر کشورها هستند. ما آماده مقابله با هرگونه تلاش برای تحریف واقعیت هستیم.» در این راستا سرگئی لاوروف<sup>۱</sup> نیز معتقد است: «برای ما، چین یک شریک واقعی استراتژیک و یک دوست همفکر است. همکاری ما در عرصه بین‌الملل تأثیر ثابتی بر اوضاع جهانی و منطقه‌ای خواهد داشت. ما می‌خواهیم معماری روابط بین‌الملل منصفانه، دموکراتیک باشد و بتواند ثبات را تضمین کند.» (وانگ‌یی، ۲۰۲۱؛ جوکار، ۱۴۰۰).

همچنین در بیانیه‌ای مشترک وزرای امور خارجه بر مرکزیت سازمان ملل متحد در سیستم بین‌المللی تأکید کرده و از کشورها خواسته شده است به اصول چندجانبه‌گرایی باز، برابر و غیرایدئولوژیک پایبند باشند. در چرایی این مهم باید عنوان کرد که چین و روسیه در دهه‌های اخیر در قالب ساختارهای بین‌المللی فعالیت کرده‌اند اما علی‌رغم استفاده از فواید این نهادها، در فرآیندهای چنین ساختارهایی نقشی بزرگ ایفا نکرده‌اند. از این رو پکن و مسکو در حوزه روابط بین‌الملل نه در حد کامل بلکه در سطوحی پایین‌تر «تجدید نظر طلب آ» به شمار می‌روند. از این رو آن‌ها خواهان تنظیم مقررات جهانی درجایی خارج از تسلط و اراده مطلق غرب هستند. بر اساس چنین نگرشی روابط چین و روسیه در دهه اخیر از شتاب بسیار بالایی برخوردار بوده است به طوری که مسکو و پکن همکاری‌های راهبردی بنیادین را طی سال‌های گذشته تعریف و عملیاتی کرده‌اند؛ همکاری‌هایی که سر آن شراکت نظامی-امنیتی را شامل می‌شود. در این راستا نقشه راه توسعه همکاری در زمینه نظامی بین روسیه و چین برای سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۵ توسط سرگئی شایگو<sup>۳</sup> و وی فنگه<sup>۴</sup> وزیر دفاع فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین به تصویب رسید. بر اساس اعلام وزارت دفاع روسیه، طرفین توافق کرده‌اند تعامل بین نیروهای مسلح دو کشور را از طریق مانورهای نظامی راهبردی و گشت‌زنی مشترک افزایش دهند (Nurlan Aliyev, 2020) (Iuvmpress.news, 2022) (Astrov, ) (et al., 2022a: 14). در حال حاضر محور جهانی میان چین و روسیه ایجاد شده است. اتحادی نه مبتنی بر ایدئولوژی بلکه بر اشتراک آشکار منافع، که یک دشمن واحد (غرب به رهبری آمریکا) و یک هدف مشخص دارد و آن جابه‌جایی برتری جهانی و جایگزینی آن است.

---

<sup>1</sup> Sergei Lavrov

<sup>2</sup> Appellant

<sup>3</sup> Sergei Shaygo

<sup>4</sup> Wei Feng

با توجه به موارد یاد شده، به نظر می‌رسد که وقوع جنگ فعلی اوکراین این مبارزه بر سر نظم جهانی آینده را سرعت ببخشد چرا که باید این بحران را به علت کنش‌گری روسیه نوعی جهت‌گیری جدید در سیاست‌های بازیگران نظام بین‌الملل قلمداد نمود، تعریف بازی جدید و تهدید سایر بازیگران برای عدم واکنش در برهم زدن بازی از طرف روسیه، مهم‌ترین شاخصی است که می‌توان به عنوان تأثیر بر نظم بین‌الملل از آن یاد کرد (فابری، ۱۴۰۰).

به نظر می‌رسد که رویکرد روسیه برای انتخاب جنگ در اوکراین برای کسب اهداف و منافع علیرغم چندین دور مذاکرات با رهبران اروپا نشان از این دارد که پوتین از طریق مذاکره و گفتگو با اوکراین، اروپا و آمریکا آمیدی به کسب دستاورد ندارد. بنابراین نه فقط تاکتیک و قواعد بازی را قبول ندارد بلکه درصدد است زمین بازی و ماهیت بازی را تغییر دهد. پوتین به جای آنکه در زمین بازی اروپا و آمریکا که حاصل نظم پساجنگ سرد است بازی کند خود بازی جدیدی را تعریف و اروپا و آمریکا را تهدید کرد که نباید بازی جدید روسیه را برهم بزنند و گرنه با پاسخ سخت روس‌ها مواجه خواهند شد. لازم به ذکر است که در هیچ یک از بحران‌های قبلی (سوریه و گرجستان) که روسیه طی سال‌های اخیر وارد شده بود این شاخص وجود نداشت در جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸ که بسیار مقطعی بود و ابعاد جنگ بسیار محدود تلقی می‌شد. در بحران سوریه نیز ورود روسیه در حمایت از بشار اسد با واکنش چندانی از سوی غرب مواجه نشد بدین ترتیب آنچه در جنگ اوکراین مهم به نظر می‌رسد به چالش کشیدن هویتی است که غرب درصدد حاکم کردن آن بر این کشور و در کل اروپای شرقی است. بی‌گمان در چنین فضایی با توجه به همکاری استراتژیک بدون محدودیت مسکو و چین، موضع‌گیری و رویکرد چین به عنوان یک قدرت نوظهور شرقی نقش تعیین‌کننده‌ای در روند و نتایج بحران اوکراین و تشدید نظم جهانی چندقطبی خواهد داشت. از این‌رو، پکن علاوه بر مخالفت با پیش‌نویس قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل که اقدام نظامی روسیه در اوکراین را محکوم می‌کرد، گسترش ناتو را به دلیل ایجاد بحران مقصر می‌داند و غرب را به «ریختن نفت بر روی شعله» متهم می‌کند که پوتین را مجبور به اقدام نظامی علیه کی‌یف کرده است (عمادی، ۱۴۰۰) (احمدیوسف، ۱۴۰۰) (Astrov, et al., ۲۰۲۲b: ۱۳). بنابراین با توجه تحولات شتابان در روابط روسیه و چین، تصمیمات و توافقات مهم اعلام شده که نشان از همگرایی بزرگ میان مسکو و پکن در تمام مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بخصوص مقابله با

هژمونی آمریکا و گسترش ناتو دارد به نظر می‌رسد. همین امر نظم بین‌الملل را وارد دوره جدیدی خواهد کرد.

### سناریوی احتمالی

توافق صلح (با نقش بازیگرانی چون، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل: با توجه به درآمیختگی میهن‌پرستی، پروپاگاندا، هزینه‌های غیرقابل برگشت و نفرت روزافزون از دشمن در جنگ اوکراین و روسیه آیا این روند باعث طولانی‌تر شدن جنگ خواهد شد یا با تکیه بر منطق «هر جنگی باید پایان یابد» منجر به توافق یا فرایند صلح می‌گردد؟ بی‌تردید، مناقشه روسیه و غرب بر سر اوکراین، اروپا را در آستانه یک رویارویی نظامی خطرناک قرار داده است. به‌طوری که بسیاری از مفسران تشدید تنش‌ها را وقفه‌ای مهم در دوران پس از جنگ و به‌ویژه دوران پس از ۱۹۹۱ می‌دانند. این در حالی است که اخیراً روسیه نیروهای خود را در امتداد مرزهای اوکراین افزایش داده و سیلی از واکنش‌های جهانی را در بر داشته و پیامدهای سنگینی را به وجود آورده است. تحریم اقتصادی روسیه یکی از این پیامدها است. امری که هم‌اکنون به اجرا درآمده است. بخش مهمی از کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان از اروپا تا آمریکا، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و حتی سنگاپور و تایوان تحریم‌های اقتصادی و مالی گسترده‌ای علیه روسیه اعمال کردند که تقریباً تمام جنبه‌های اقتصادی، مالی و بازارهای سرمایه، فناوری، مصرفی، هوانوردی، فرهنگ، هنر، انرژی، صنعت، اینترنت و سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد. افزون بر این ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و آمریکا سیستم بانکی روسیه را هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار داده‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها تحریم دو بانک عمده «اسبربانک<sup>۱</sup>» و «وی‌تی‌بی‌آ»<sup>۲</sup>، همچنین نهاد وینشیکنوم‌بانک<sup>۳</sup>، ابرشرکت خدمات مالی روسیه، به همراه تحریم بانک مرکزی روسیه و قطع دسترسی بسیاری از بانک‌های روسی به سیستم سوئیفت<sup>۴</sup> است. این در حالی است که روسیه همچنان به شدت به ورودی‌های فناوری پیشرفته «غرب» در وسایل نقلیه، الکترونیک و مواد شیمیایی وابسته است. روسیه حدود ۵۰ درصد از کالاها را در بخش‌های ذکر شده از اروپا وارد می‌کند. این امر روسیه را در خطر حفظ و گسترش

---

<sup>۱</sup> Sberbank

<sup>۲</sup> WTB

<sup>۳</sup> Vinishkenombank

<sup>۴</sup> swift

زیرساخت‌های دیجیتالی و تولید کالاهای سرمایه‌ای برای هوا فضا قرار خواهد داد. در حوزه داخلی نیز از یک سو، تحریم‌های اعمال شده توسط غرب علیه روسیه تاکنون، تأثیر ناخواسته-ای در تحکیم بخش محافظه‌کار جمعیت روسیه در اطراف رهبری سیاسی فعلی داشته است از سوی دیگر، راکد بودن استانداردهای زندگی، تغییر نسل در جمعیت و پیری رهبری سیاسی به نارضایتی نهفته مردم از نخبگان روسیه کمک خواهد کرد (خاتین اوغلو، ۲۰۲۲؛ جین‌وی، ۱۴۰۰؛ ماجدی، ۱۴۰۰؛ برتراند و بوریس، ۱۴۰۰؛ گونگ و جون، ۲۰۲۲؛ Friedman, ۲۰۲۲؛ ۱۴۰۱).

از این رو به نظر می‌رسد که، طیف کامل تحریم‌های غرب، در درازمدت ضربه‌ای مهلک و ویرانگر به اقتصاد روسیه وارد ساخته و روسیه را برای توافق صلح تحت فشار قرار خواهد داد.

بنابراین منطقی است که در صورت عدم مدیریت بحران از جانب روسیه تلاش برای میانجی‌گری جهانی را باید یکی دیگر از پیامدهای جنگ برای پایان دادن به بحران بدانیم. تشکیل یک گروه چهارجانبه بین‌المللی، که شامل کشورهایمانند، چین، ترکیه، اسرائیل و فرانسه ممکن است در متقاعد کردن مسکو و کیف به جدیت در مورد صلح کمک زیادی کند. باید عنوان کرد که در خصوص تلاش‌های برخی رهبران جهان در راستای میانجی‌گری برای متوقف شدن جنگ روسیه در اوکراین بخشی از این تحرکات دیپلماتیک به منافع آن‌ها برمی‌گردد و برخی دیگر از ترس در تنگنا قرار گرفتن خود نمایان می‌شود. به نظر می‌رسد چین به‌عنوان شریک راهبردی روسیه نسبت به هر بازیگر تأثیرگذار جهانی دیگری، اهرم فشار بیشتری با روسیه و آزادی دیپلماتیک بیشتری در مانور دارد از این رو می‌تواند نقش کلیدی مهمی را در کاهش تنش‌ها میان مسکو و کیف داشته باشد، چرا که از زمان آغاز درگیری رهبران چین به طور فزاینده‌ای بر اهمیت صلح تأکید کردند به طوری که رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ<sup>۱</sup> طی یک نشست ویدیویی با امانوئل مکرون<sup>۲</sup>، رئیس‌جمهوری فرانسه و اولاف شولز<sup>۳</sup>، صدراعظم آلمان، نگرانی شدید خود را نسبت به بحران گسترده انسانی ناشی از درگیری و وضعیت اوکراین ابراز کرد و خاطرنشان ساخت: «ما باید مسئولیت خود را برای ایجاد ثبات و اطمینان بیشتر در دنیای متلاطم و سیال بر عهده بگیریم». از آنجا که «قدرت‌های صلح‌طلب» در آینده به یک نیروی بزرگ بین‌المللی همگرا تبدیل خواهند شد، به نظر می‌رسد که چین مهم‌ترین اصلی که برای میانجی‌گری هدف قرار خواهد داد صلح است. چرا که ترویج فعال صلح

<sup>1</sup> Xi Jinping

<sup>2</sup> Emmanuel Macron

<sup>3</sup> Olaf Schulz

و توانایی در انجام آن جلوه‌ای از قدرت سخت در یک کشور است و اگر چین بتواند از این قدرت استفاده کند می‌تواند به یک مروج یا حتی رهبر مهم آن تبدیل شود. با توجه به این‌که چین به‌عنوان تنها عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد که مستقیماً در جنگ دخالت ندارد و موقعیت چین با توجه به پیامدهای استراتژیک و سیاسی آن بر آینده خود چین در آسیا و فراتر از آن، منافع زیادی در شکل‌دهی به نتیجه درگیری در اوکراین دارد بنابراین چین این فرصت را دارد که به عنوان یک میانجی در مناقشه روسیه و اوکراین عمل کند، اگر بتواند از طریق تلاش‌های میانجی‌گری خود، صلح را به ارمغان بیاورد، فضای بین‌المللی بیشتري را برای نقش‌سازنده خود در ترویج صلح به دست خواهد آورد (اقتصاد نیوز، ۱۴۰۰؛ گونگ و جون، ۱۴۰۱).

ترکیه نیز یکی دیگر از بازیگران مهم و میانجی اصلی در مناقشه روسیه و اوکراین است چرا که از یک سو یگانه کشوری است که توانست محل مذاکرات را از منطقه مرزی بلاروس منتقل کند و نمایندگان روسیه و اوکراین را دور یک میز بنشاند. از سوی دیگر در حالی که عضو ناتو است، روابط اقتصادی و انرژی قوی با روسیه دارد. ترکیه نه تنها حمله روسیه به اوکراین به‌شدت انتقاد کرد، بلکه با استقلال دونتسک و لوهانسک در منطقه دونباس نیز مخالفت نشان داد و قبل از آن نیز الحاق کریمه به خاک روسیه را محکوم کرده بود در عین حال از شرکت در تحریم‌های غرب امتناع کرده است. این چند جانبه‌گرایی ترکیه را می‌توان اهرم فشار این کشور در برخورد با بحران اوکراین و روسیه دانست که نشان‌دهنده شبکه پیچیده‌تر روابط قدرت در این عصر جهانی چند قطبی است. حال با توجه به موارد اشاره شده چرا روسیه میانجی‌گری ترکیه را می‌پذیرد؟ بی‌گمان از یک طرف به علت حاکمیت ترکیه بر تنگه‌های بسفر و داردانل، از طرف دیگر به خاطر روابط تجاری مستحکم ترکیه هم با روسیه و هم اوکراین، افزون بر این فعالیت‌های ترکیه در مرزهای جنوبی خود و آسیای میانه و قفقاز دلیل دیگر مدارای مسکو با ترکیه است. روس‌ها می‌دانند در صورتی که در جنگ ضعیف شوند، آنکارا برای توسعه فعالیت‌های خود در این مناطق درنگ نخواهد کرد و حتی مهم‌تر از آن سعی می‌کند واقعیت جدیدی در سوریه به وجود آورد از این جهت روسیه می‌کوشد روابط خود با ترکیه را همواره دوستانه نگه دارد (فرانسیس، ۱۴۰۱) (ایندلیکاتو، ۱۴۰۱؛ *Chausovsky, ۲۰۲۲: ۱۶; Astrov, et al., ۲۰۲۲*).

میانجی‌گری برای اسرائیل هم حائز اهمیت است. چرا که از یک سو وقوع یک جنگ در این منطقه «تنش تاریخی» دیگری میان غرب و روسیه، تل‌آویو را در منطقه پراشوب خاورمیانه و در سایه حضور فزاینده روسیه به ویژه در سوریه در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌دهد. از

سوی دیگر به روسیه برای حفظ توافقی در داخل سوریه که به آن اجازه حمله به مواضع ایران را می‌دهد نیاز دارد، بدین ترتیب اسرائیل انگیزه‌هایی برای ماندن در کنار روسیه دارد. با این حال، از آنجا که اسرائیل همواره روابط ایران و روسیه را با حساسیت دنبال می‌کند و به صراحت مخالفت خود را با برجام اعلام کرده است، اگر بتواند مسکو را در قبال عدم امضای احیای توافق هسته‌ای با ایران متقاعد کند، این یک پیروزی دیپلماتیک برای رژیم می‌خواهد بود که مدت‌ها با آن مخالفت کرده است (بهشتی‌پور، ۱۴۰۰) (ایسنا، ۱۴۰۰).

امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه تنها رهبر غربی است که به طور منظم با پوتین در تماس است. موضع دولت فرانسه مختصر و واضح است: «ما در کنار اوکراین هستیم، اما نمی‌خواهیم وارد درگیری با روسیه شویم». تاکنون موضع دولت فرانسه این بوده است که باید بر روش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در خصوص اوکراین تمرکز کرد «ما باید همه کانال‌های دیپلماتیک را حفظ کنیم تا روسیه به میز مذاکره بازگردد». بنابراین میانجی‌گری می‌تواند به نتایج زیر منتهی شود: تحقق توافق صلح با عادی‌سازی کامل روابط دیپلماتیک بین ایالات متحده و روسیه، تجدید معاهده «نیروهای هسته‌ای میان برد<sup>۱</sup>» برای کمک به مرتفع شدن نگرانی‌های امنیتی روسیه در مورد «موشک‌های تهاجمی» آمریکا در شرق اروپا از جمله بازرسی‌های روسیه از پایگاه‌های سامانه‌های دفاع موشکی زمینی آمریکایی<sup>۲</sup> در لهستان و رومانی، احیای شورای روسیه - ناتو و پیگیری یک معاهده مهم تغییرات اقلیمی بین ایالات متحده و روسیه و مذاکره درباره پیمان نیروهای مسلح متعارف در اروپای شرقی (تی‌پین، ۱۴۰۰). بدین ترتیب، در صورت تحقق این سناریو، پس‌انگ اوکراین، نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل از نوع تک‌قطبی به سرکردگی هژمون برتر نخواهد بود و این هدف مشترک اکثر کشورهای غیر متحد و متحد روسیه است، چرا که آن‌ها نیز می‌خواهند به هژمونی ایالات متحده در این سیستم پایان بخشند.

تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی: در صورت شکست مذاکرات و میانجی‌گری بازیگران خارجی، تداوم جنگ روسیه و اوکراین به عنوان محتمل‌ترین سناریو دور از ذهن نخواهد بود. به نظر می‌رسد که همین مسئله پیامد سنگینی چون جنگ طولانی یا فرسایشی خواهد داشت، امری که هم‌اکنون کم و بیش در جریان است. روسیه جنگی را به عنوان یک

<sup>1</sup> Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty

<sup>2</sup> Aegis Ballistic Missile Defense System

لشکرکشی تنبیهی علیه اوکراین آغاز کرد اما به دلیل ضعف در حوزه‌های هوایی، موشکی و پهبادی، و موانعی چون؛ ماهیت جغرافیایی نبرد و فواصل بین روسیه و اوکراین، ایجاد موانع در مسیر روس‌ها توسط غرب و آمریکا، تحریم‌ها و تأمین سلاح و پول برای اوکراین، و... نتوانست به سادگی ستون‌های نظامی پراکنده شده را در سراسر اوکراین، هدایت کند. این امر پوتین و مشاورین سیاسی و نظامی او را به این نتیجه رساند که تمام تلاش غربی‌ها برای به انزوا بردن روسیه وضع و تطبیق شده است از این‌رو کرملین از استراتژی تشدید جنگ استفاده کرده و از یک جنگ اعزامی به جنگ کامل روی آورد. در این راستا، نیروهای روسی با بمباران و گلوله‌باران شهرها، زیرساخت‌ها و غیرنظامیان امیدوار بودند که چنین خشونت بی‌رحمانه‌ای اراده مردم اوکراین برای مقاومت را درهم بشکند و مقامات اوکراینی را به تسلیم شدن یا حداقل امتیازات بسیار مهم وادار کند. با این حال همه چیز آن‌طور که برنامه‌ریزی شده بود، پیشرفت نکرده است. بخصوص در شمال، اوکراین به طور مداوم و ماهرانه از خود دفاع کرد و روسیه را در عملیات کیف شکست داد. این عقب‌نشینی مسکو را وادار کرد تا اهداف سیاسی و استراتژیک خود را تغییر دهد چرا که به نظر می‌رسد اشغال کامل اوکراین برای روسیه تنها دستاورد مقطعی است که خسارات مسکو را تلطیف می‌کند نه جبران. بر این اساس سعی پوتین بر طرح جدید یعنی الحاق بخش‌های شرقی و جنوبی قلمرو خود در امتداد سواحل دریای سیاه است (الهاشمی، ۱۴۰۰؛ *Landel, 2022*؛ *KOZIEJ, 2022*؛ حبیبی‌تبار، ۱۴۰۰). اما به نظر می‌رسد که این امر تحقق نیابد چرا که استراتژی پوتین قبلاً با حداقل سه فرض اشتباه در مورد توانمندی نظامی روسیه و نوسازی، ظرفیت و تمایل اوکراین برای مقاومت، و اتحاد و عزم غرب برای مجازات روسیه تضعیف شده است علاوه بر این روس‌ها نیروها و تجهیزات خود را از دست داده‌اند و در کوتاه‌مدت نمی‌توانند آن‌ها را دوباره احیاء کنند (*Dilkoff, 2022*).

در واقع برای تولید تانک‌های از بین رفته به سه سال زمان نیاز است. آن‌ها همچنین نمی‌توانند دیگر مهماتی را که استفاده کرده‌اند را جایگزین کنند. از طرف دیگر تولیدکننده‌های نیمه هادی‌ها از صدور محصولات خود به روسیه منع شده‌اند. این موضوع سبب می‌شود که روسیه نتواند تجهیزات نظامی خود را بازسازی کند. افزون بر این، آن‌ها از نیروهای نظامی آموزش دیده کافی برخوردار نیستند این در حالی است که مردم اوکراین با وجود متحمل شدن خسارات وحشتناک تسلیم فشار فزاینده روسیه نمی‌شوند. از منظر سیاسی، دولت تسلیم نشده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. ارتش اوکراین تاکنون با موفقیت تهاجم نظامی را دفع کرده

است و به نظر می‌رسد با وجود تلفات اجتناب‌ناپذیر روحیه قوی خود را حفظ کرده است (دنتش، ۱۴۰۱). غرب نیز به نوبه خود با روش‌های فعالانه به گام‌های تشدید تنش روسیه پاسخ می‌دهد. این کشور تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بی‌سابقه‌ای را علیه روسیه اعمال کرده و کمک‌های خود به اوکراین را افزایش داده است. اما به نظر می‌رسد که غرب اگر به جای تحمیل تحریم‌ها علیه روسیه از استراتژی کاهش تنش تهاجمی استفاده کند و بر مسکو فشار آورد تا کاری را که اوکراین و متحدانش می‌خواهند انجام دهد. می‌تواند تا حدود زیادی از تشدید تنش جلوگیری کند. اخیراً نیز آمریکا و غرب تأمین تسلیحات تهاجمی سنگین ارتش اوکراین را آغاز کرده‌اند. از این‌رو روسیه شاهد یک استراتژی دفاعی با اقدامات تلافی‌جویانه یعنی مقاومت و ضد حمله تاکتیکی توسط اوکراین و ضد حمله عملیاتی توسط غرب خواهد بود (KOZIEJ, 202؛ محمدمراد، ۱۴۰۱).

با توجه به مقاومت گسترده مردم و عملکرد خوب ارتش اوکراین، برخورد یکپارچه و متحد غرب، مخالفت و عدم همراهی مردم روسیه با تجاوز به اوکراین و بروز خشم گسترده در بین مردم جهان به نظر می‌رسد که اگر راه‌حلی سیاسی برای منازعه اوکراین پیدا نشود این منازعه ممکن است بسیار طولانی شده و جنگ فرسایشی را موجب گردد. در همین ارتباط ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز هشدار داد اگر کشورهای دیگر در جنگ مداخله کنند با حملات تلافی‌جویانه برق‌آسا روبرو خواهند شد. پوتین افزود روسیه برگ‌های زیادی برای بازی کردن دارد. او از حمله هسته‌ای نیز سخن گفته بود (بی‌بی‌سی فارسی، ۱۴۰۱). بنابراین می‌توان گفت که این جنگ، هیچ برنده‌ای نخواهد داشت چرا که اوکراین نمی‌تواند ارتش روسیه را به عقب براند. از سوی دیگر روسیه حاضر به عقب‌گرد و بازگشت از اوکراین نیست و غرب نیز تضمینی مبنی بر بی‌طرفی اوکراین به روسیه نخواهد داد. از این‌رو استمرار بحران به نوعی تساوی نتیجه این بازی تلقی خواهد شد.

### سناریوی ممکن

وقوع جنگ هسته‌ای: یکی از احتمالات ممکن در مورد آینده جنگ اوکراین و روسیه که از اهمیت کمتری از بعد تحقق آن نسبت به سایر سناریوهای مطرح شده وجود دارد وقوع جنگ هسته‌ای است. از آنجا که کشورهای غربی با افزایش فشار اقتصادی و نظامی خود سعی دارند



توانایی روسیه برای ادامه جنگ را خدشه‌دار کرده و در نتیجه تغییری در تصمیم وی ایجاد کنند به نظر می‌رسد حفظ موقعیت شخصی پوتین در قدرت نیز می‌تواند غرب را با چالش‌های مضاعفی روبرو ساخته و پوتین را تشویق نماید تا از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند تا نشان دهد که او ترجیح می‌دهد به اقدامات افراطی متوسل شود تا اینکه از قدرت کنار برود. با توجه به قدرت نظامی روسیه، گرچه جنگ در ابتدا به نفع مسکو متمایل بود، اما با ارسال کمک‌های کشورهای غربی به اوکراین، اکنون صحنه نبرد کمی به نفع اوکراین متعادل‌تر شده است از این رو، به نظر می‌رسد که با ادامه مقاومت اوکراینی‌ها جنگ به بن‌بست مخرب برسد و عزم روسیه را به سمت استفاده از تاکتیک‌های خشن‌تر برای رسیدن به پیروزی بیشتر کند. تاکتیک‌هایی که استفاده از یک حمله محدود هسته‌ای هم می‌تواند بخشی از آن‌ها باشد. دستور ولادیمیر پوتین، به ستاد مشترک نیروهای مسلح این کشور جهت آماده باش نیروهای بازدارنده هسته‌ای گواهِ این امر است که با توجه به موقعیت ذهنی پوتین، تهدیدات مکرر او و بن‌بست نظامی - سیاسی، می‌تواند مقدمه جنگ هسته‌ای شود (Armani News, 2022; Bishara, 2022). در همین راستا نشریه آمریکایی فارن پالسی نیز نوشت: جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و متحدانش در مجموعه‌ای از تغییرات چشمگیر، سیاست خود را به منظور کمک به اوکراین در برابر حمله روسیه به سیاست تضعیف قدرت و نفوذ روسیه تشدید کردند. برخی ناظران بیم آن را دارند که با اتخاذ چنین سیاستی در واقع ولادیمیر پوتین، گزینه‌ای جز تسلیم شدن یا افزایش نیروهای نظامی پیش‌روی خود نداشته باشد که این امر احتمال گسترش دامنه جنگ و وقوع جنگ هسته‌ای را افزایش می‌دهد (دخیلی، ۱۴۰۱).

لازم به ذکر است که ولادیمیر پوتین از ابتدای آغاز حمله به اوکراین، چندین بار به احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای اشاره کرده است. «در ۲۴ فوریه او در یک سخنرانی هشدار داد که اگر کشورهای ثالث تلاش کنند مانع پیشرفت روسیه در جنگ گردند، عواقب بی‌سابقه‌ای در پی خواهد داشت. چنین عبارتی به طور سنتی به معنای تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد که پس از دهه ۱۹۶۰ این نخستین بار بود که مسکو این‌گونه در مورد آمادگی هسته‌ای خود به شکلی علنی صحبت می‌کند. هم پوتین و هم سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اعلام کرده‌اند که اوکراین در مسیر رسیدن به سلاح هسته‌ای بوده و به همین دلیل مسکو به دنبال بازدارندگی مقابل این کشور است. این مسئله، نشان می‌دهد که مسکو ممکن است به فکر استفاده از سلاح هسته‌ای در چنین رویارویی باشد. همچنین، در اوایل ماه مارس، لاوروف، به طور مبهم اشاره کرد که جنگ جهانی سوم قطعاً

«اِتمی خواهد بود». با این وجود، در هفته‌های بعد، شماری از مقامات روسی تلاش کردند نشان دهند که پوتین و لاوروف از اظهارات خود در این زمینه عقب‌نشینی کرده‌اند (*Horovitz & watch, 2022*). علاوه بر این، می‌توان گفت که روسیه سلاح‌های متعارف و استراتژیک غیرهسته‌ای فراوانی دارد و از تمامی توانایی‌های سایبری خودش نیز استفاده نکرده است (همشهری آنلاین، ۱۴۰۰). بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از پهپادهای پیشرفته و دیگر سلاح‌های مشابه، احتمالاً در فاز بعدی جنگ دنبال خواهد شد. اما چیزی که استفاده از سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای (موشک‌های برد کوتاه زمین پایه با برد ۵۰۰ کیلومتر و سلاح‌های هواپویه و دریا پایه با برد کمتر از ۶۰۰ کیلومتر) را محتمل می‌کند، پیامی است که روسیه به غرب و آمریکا می‌رساند؛ این که روسیه حاضر است برای رسیدن به اهداف استراتژیک خود دست به هر کاری بزند. چرا که کرملین ظاهراً پیامدهای بالقوه گسترش احتمالی دخالت غرب را چنان چشمگیر می‌داند که نیاز به ترسیم خطوط قرمز را می‌بیند. بنابراین، ظاهراً به دنبال این است که نشان دهد مداخله مستقیم می‌تواند اقدامات متقابل شدید - یعنی هسته‌ای - را در پی داشته باشد. از این رو پوتین بارها اعلام کرده که مسئله پیوستن اوکراین به ناتو، مسئله مرگ و زندگی برای روسیه است. در این راستا دیمیتری پسکوف<sup>۱</sup>، سخنگوی کرملین در مصاحبه‌ای گفت: ما برداشتی به نام امنیت ملی داریم و این موضوع علنی است. روسیه تنها سلاح‌های هسته‌ای را در هنگامی به کار خواهد برد که اصل موجودیتش در معرض تهدید باشد. از آنجا که دکتین نظامی رسمی روسیه نیز استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را فقط هنگامی مجاز می‌داند که سایر انواع سلاح‌های کشتار جمعی بر ضد این کشور به کار برده شده باشد یا دولت روسیه با تهدیدی وجودی از طریق سلاح‌های متعارف روبرو شده باشد از این رو تصمیم برای استفاده از زرادخانه گسترده سلاح‌های هسته‌ای روسیه، به تصمیم ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بستگی دارد (خبرگزاری آناتولی، ۱۴۰۱؛ همشهری آنلاین، ۱۴۰۱؛ ایرنا، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر، اعلامیه تازه فنلاند و سوئد عامل دیگری است که موجب تشدید تنش میان مسکو و غرب شده و احتمال سناریوی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را افزایش خواهد داد. چرا که پس از تغییر استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال‌های اخیر و تغییر نگرش و چرخش این کشور از سمت خاورمیانه و خلیج فارس به سوی چین و روسیه، تلاش برای

<sup>1</sup> Dmitry Peskov

تقویت ناتو و یکدست کردن اروپا در مقابل روسیه، به منظور تضعیف یکی از این دو رقیب (روسیه) در رأس برنامه‌های راهبردی ایالات متحده قرار گرفته است. بر این اساس چنانکه سوئد و فنلاند به ناتو بپیوندند، اتحادیه اروپا در قالب ناتو بیش از گذشته خود را در مقابل روسیه قرار خواهد داد و نوعی فشار سراسری علیه مسکو در دستور کار قرار خواهد گرفت و این همان چیزی است که مقامات آمریکایی به دنبال آن هستند؛ تضعیف روسیه با هزینه همپیمانان. بدین ترتیب، با گسترش ناتو و تقویت قدرت نظامی بخش اروپایی ناتو، شراکت اروپایی‌ها در مهار روسیه افزایش یافته و آمریکا می‌تواند با دست بازتری به مهار چین بپردازد. از این‌رو، روسیه به صورت کاملاً آشکار پیوستن سوئد و فنلاند به پیمان سازمان آتلانتیک شمالی را تهدیدی جدی برای خود می‌داند و در صورت عضویت این دو کشور در ناتو، به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه چندان دور تقابل تسلیحاتی و سیاسی میان روسیه با جبهه غرب به وقوع خواهد پیوست. در این زمینه روزنامه روسی «موسکوفسکی کومسومولیتس»<sup>۱</sup> در گزارشی به نقل از «ایگور کورتچینکو»<sup>۲</sup> سردبیر نشریه «دفاع ملی» نوشت: «پیوستن سریع فنلاند و سوئد به ناتو از نظر امنیتی و موازنه قدرت در منطقه به مفهوم تغییر وضعیت به زیان روسیه است. ما باید به سرعت در برابر تشکیل ائتلاف‌های نظامی جدید از سوی کشورهای غربی، شکل جدیدی از موازنه را تحقق بخشیم» وی افزود تنها راه عملی برای بازگرداندن موازنه در این مورد، انتقال کلاهک‌های هسته‌ای تاکتیکی، ناوگان بالستیک و موشک‌های اسکندر به مناطق نظامی غرب روسیه و همچنین تجهیز کشتی‌ها و زیر دریایی‌های دارای کلاهک هسته‌ای به موشک‌های کالیبر به عنوان یک عامل بازدارندگی است (مظاهری، ۱۴۰۱؛ تازه نیوز، ۱۴۰۱).

با این حال به نظر می‌رسد بازیگر اصلی رقیب، یعنی آمریکا در شرایط ضعف عمومی ناشی از شکست‌های متوالی در بحران‌های شرق مدیترانه، عراق، سوریه و افغانستان قرار دارد و حاضر به درگیر شدن در یک رویارویی مستقیم نظامی یا هسته‌ای نیست و هم‌زمان اولویت‌های ژئواستراتژیک آمریکا به سمت مهار چین (یعنی بزرگ‌ترین تهدید اقتصادی و حتی سیاسی برای آمریکا در سال‌های آتی) و تقویت روابط فرا آتلانتیک (روابط آمریکا و اروپا) می‌شود که در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ به شدت آسیب دید. روی هم رفته به نظر می‌رسد که گسترش ناتو در ابعاد جدید، نه تنها امنیت و ثبات را برای کشورهای اروپایی به ارمغان نخواهد آورد بلکه با قرار دادن آن‌ها در خط رویارویی با روسیه و تبدیل اروپا به ابزار تأمین اهداف و

*Moskovsky Komsomolits*<sup>1</sup>

<sup>2</sup> Igor Kurtchinko

منافع آمریکا، توسعه سیاسی و اقتصادی اروپا را مختل کرده و منطقه شرق و شمال اروپا را به حوزه بحران خیز جدیدی در نقشه ژئوپلیتیک جهانی تبدیل خواهد کرد.

### جدول (۱) سناریوی مطلوب از منظر روسیه

بازیگران	اهداف و راهبرد	ائتلاف
روسیه	همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی با کشورهای خارج از بلوک غرب و ناراضی از نظم نوین، تأثیر بر اوضاع جهانی و منطقه‌ای، تنظیم مقررات جهانی در خارج از تسلط اراده مطلق غرب، جابه جایی برتری جهان و جایگزینی آن (مقابله با هژمونی آمریکا)	سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین- المللی
چین		

### جدول (۲) سناریوی احتمالی اول

بازیگران	اهداف و راهبرد	توافق صلح (با)
آمریکا و متحدان غربی	تحریم‌های اقتصادی و مالی گسترده علیه روسیه برای تحت فشار قرار دادن این کشور جهت توافق	نقش بازیگرانی چون؛ چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل
چین	کسب فضای بین‌المللی بیشتر برای انجام نقش سازنده خود در ترویج صلح	
ترکیه	استفاده از سیاست موازنه و چندجانبه‌گرایی به عنوان اهرم فشار در برخورد با بحران اوکراین و روسیه	
اسرائیل	قرار نگرفتن در موقعیت دشوار تنش در خاورمیانه بخصوص در سوریه، حفظ توافق در داخل سوریه جهت اجازه حمله به مواضع ایران، متقاعد کردن مسکو برای عدم احیای توافق هسته‌ای	

جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی □ ۱۰۷

فرانسه	ممانعت از جنگ و درگیری با روسیه، تأکید بر حفظ کانال‌های دیپلماتیک برای کشاندن روسیه به میز مذاکره
--------	---

جدول ۳) سناریوی احتمالی دوم

بازیگران	اهداف و راهبرد	تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی
اوکراین	استراتژی دفاعی با اقدامات تلافی جویانه	
روسیه	استراتژی تشدید جنگ (تبدیل جنگ اعزامی به جنگ کامل)	
ناتو	افزایش کمک‌های نظامی به اوکراین و تلاش برای به انزوا کشاندن روسیه	

جدول ۴) سناریوی ممکن

بازیگران	اهداف و راهبرد	وقوع جنگ هسته‌ای
روسیه	پایان دادن به بن‌بست مخرب جنگ با استفاده از تاکتیک‌های خشن‌تر	
آمریکا و متحدان غربی‌اش (ناتو)	فشار اقتصادی و نظامی بر روسیه، گسترش ناتو در ابعاد جدید (پذیرش درخواست عضویت سوئد و فنلاند)، یکدست کردن اروپا در مقابل روسیه با هزینه هم‌پیمانان و ایجاد تغییر در سیاست روسیه	

## نتیجه

پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به این پرسش اصلی بود که سناریوهای پیش‌روی جنگ روسیه و اوکراین چه خواهد بود؟ و این جنگ چه تأثیری بر آینده نظم بین‌الملل خواهد داشت؟ یافته‌های پژوهش بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریونویسی، ۴ سناریو را در قالب ۳ دسته‌بندی پیش‌روی ما می‌گذارد؟ (الف) سناریوی مطلوب روسیه؛ ائتلاف سیاسی- نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی؛ (ب) سناریوی محتمل: (۱) توافق صلح (با نقش بازیگرانی چون، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل، (۲) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی؛ (ج) سناریوی ممکن؛ وقوع جنگ هسته‌ای. ارزیابی سناریوهای پیش‌رو نشان می‌دهد که یکی از سناریوهای محتملی که در جنگ اوکراین، روسیه و غرب به سرکردگی آمریکا تجربه خواهند کرد «تداوم جنگ» است. در این سناریو تنش در نظم بین‌المللی ادامه خواهد داشت چرا که روسیه جنگ را آغاز کرده اما به علت شکست در هدایت ستون نظامی به استفاده از استراتژی تشدید جنگ روی آورده است. اما این استراتژی با مقاومت گسترده مردم و عملکرد ستودنی ارتش اوکراین و برخورد یکپارچه و متحد غرب و آمریکا یعنی تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تأمین تسلیحات تهاجمی سنگین اوکراین مواجه شده است. در این سناریو از آنجا که اوکراین نمی‌تواند ارتش روسیه را عقب براند و نه روسیه حاضر به عقب‌گرد از اوکراین است و نه غرب تضمینی بر بی‌طرفی اوکراین به روسیه نخواهد داد، از این‌رو نتیجه این روند جنگ فرسایشی و طولانی‌مدت خواهد بود. اگرچه سناریوی «ممکن» در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با ادامه مقاومت اوکراینی‌ها جنگ به بن‌بست مخرب رسیده و با گسترش ناتو در ابعاد جدید، عزم روسیه را به سمت استفاده از تاکتیک‌های خشن‌تر (برای نمونه بهره‌گیری از سلاح هسته‌ای) برای رسیدن به پیروزی بیشتر خواهد کرد.

با این حال، سناریوی مطلوب روسیه و یکی از سناریوهای احتمالی (توافق صلح) صحبت از کنش‌گری روسیه دارد که نوعی جهت‌گیری جدید در سیاست‌های بازیگران نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. در این سناریوها برخلاف سناریوی احتمالی (تداوم جنگ) و سناریوی ممکن (جنگ هسته‌ای)، عقیده بر آن است جنگ روسیه و اوکراین به عنوان محرک یا نقطه عطفی باعث تغییر نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل خواهد شد و نظم جدید از نوع تک-قطبی به سرکردگی ایالات متحده نخواهد بود. بنابراین با توجه به ابهام و عدم شفافیت در بازه

زمانی بحران گرچه مشخص نیست که تحولات آینده جنگ اوکراین و روسیه بر کدام رویکرد پیش خواهد رفت اما روی هم رفته می‌توان گفت که پس از جنگ اوکراین، نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی خواهد شد. تأثیر این حمله در سطح بین‌الملل، قطبی شدن بیش از پیش امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک تر شدن سیاست بین‌الملل خواهد بود. این تحول اگرچه سبب تفوق رویکرد ژئوپلیتیک در اروپا شده، اما با برجسته کردن اهمیت اتحاد فرآتلانتیکی، خودمختاری استراتژیک اروپایی را تضعیف کرده است. این حمله همچنین، موقعیت رهبری ایالات متحده در سطح جهان را به هزینه شرکای اروپایی آن تقویت نموده است. در نهایت، می‌توان گفت جنگ اوکراین بیشتر به رقابت آمریکا و چین، بازتعریف نقش روسیه در سیاست جهانی و چگونگی سازگاری ژئوپلیتیک جایگاه اروپا در صحنه روابط بین‌المللی مربوط می‌شود. این جنگ روندی که مدت‌هاست در صحنه جهانی آغاز شده را سرعت بخشیده است. در این میان، مسأله جدید و متفاوت، روشی است که اکنون روسیه، چین و سایر کشورها در پیش گرفته‌اند. در مجموع شاید این پیش‌بینی استفان والت درست از آب درآید که آینده در حال ظهور، نه یک «نظم لیبرال» آمریکایی محور خواهد بود و نه یک «نظم اقتدارگرای» چینی محور بلکه هریک از این دو قدرت بزرگ، نظم‌های نصفه نیمه‌ای را هدایت خواهند کرد که دربرگیرنده کشورهایی است که ارزش‌های مشترکی دارند و یا چاره‌ای جز وابستگی به یکی از دو طرف نخواهند داشت.

## منابع و ماخذ

### فارسی

- احمدیوسف، احمد (۱۴۰۰/۱۲/۲۹)، «روسیه و چین مانیفست نظام بین‌الملل جدید را اعلام کردند»، تحریریه، روزنامه الاتحاد امارات، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵: <https://www.tahririeh.com/news/۱۷۴۴۰>
- ایندلیکاتو، مائو، (۱۴۰۱/۰۲/۲۶)، «دامه میانجیگری سرسختانه اردوغان میان روسیه و اوکراین»، دیپلماسی ایرانی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۱۸۸۹>
- اقتصادنیوز، (۱۴۰۰/۱۲/۱۷)، «ابراز نگرانی رئیس‌جمهور چین نسبت به اوضاع اوکراین»، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷: <https://www.eghtesadnews.com>
- الهاشمی، محمدصادق، (۱۴۰۰/۱۲/۱۶)، «نگاهی بر نقاط ضعف و قوت جنگ روسیه و اوکراین برای طرف‌های درگیر»، خبرگذاری حوزه، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳: <https://www.hawzahnews.com/news/۱۰۱۱۸۵۹>
- ایسنا، (۱۴۰۰/۱۲/۱۷)، «تلاش ۴ میانجی‌گر جهانی برای صلح در اوکراین و انگیزه‌های آنها»، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳: <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۱۷۱۳۹۱۷>

- برتراند، ژرمی؛ بوریتس، اورو، (۱۴۰۰/۱۲/۲۶)، «ضد حمله هوشمند اقتصادی روسیه»، دیپلماسی ایرانی، تاریخ مراجعه: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۰۵۷۶>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷
- بهشتی پور، حسن، (۱۴۰۰/۱۲/۲۳)، «اهداف سفر بنت به روسیه»، شورای راهبردی روابط خارجی، تاریخ مراجعه: <https://www.scfr.ir/fa/۳۰۰۳۰۱۰۲/۱۴۰۵۴۱>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷
- بی‌بی‌سی فارسی، (۱۴۰۱/۰۲/۰۸)، «هشدار پوتین علیه مداخله خارجی در جنگ اوکراین»، تاریخ مراجعه: <https://www.bbc.com/persian/world-۶۱۲۵۲۹۳۴>: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹
- پیکرنیک، توماس (۱۳۷۹) «هند، چین و روسیه از نگاه آمریکا»، ترجمه مجید علوی کیا، *فصلنامه سیاست خارجی*، دوره ۱۴، صص ۱۰۸-۹۳.
- تازه نیوز، (۱۴۰۱/۰۳/۰۱)، «درگیری بین کشورهای غربی و روسیه؛ سناریوی جنگ هسته‌ای اتفاق می‌افتد؟»، تاریخ مراجعه: <https://www.tazenews.com/news/۲۲۲۶۹۰>: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸
- تی‌پین، دیوید، (۱۴۰۰/۱۲/۲۴)، «چگونه بایدن می‌تواند به جنگ اوکراین پایان دهد؟»، اقتصاد نیوز، تاریخ مراجعه: <https://www.eghtesadnews.com>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰
- تیشه‌یاره، ماندانا (۱۳۹۰)، *آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۱۴۵.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۳) «گسترش ناتو به شرق در حرکت دوم»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، دوره ۱، شماره ۱۰۲.
- جوکار، علی اکبر، (۱۴۰۰/۰۲/۱۵)، «روسیه و چین رقابت دوستانه اهداف راهبردی»، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تاریخ مراجعه: <https://ipis.ir/portal/newsview/۶۳۷۰۰۸>: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹
- جین‌وی، شانگ، (۱۴۰۰/۱۲/۱۲)، «آیا تحریم‌های روسیه بدون همراهی چین فلج کننده خواهد بود؟» دیپلماسی ایرانی، تاریخ مراجعه: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۰۴۷۲>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷
- حبیبی تبار، محمدامین، (۱۴۰۰/۱۲/۱۲)، «بحران اوکراین، دوسناریوی محتمل؛ آیا جنگ هسته‌ای می‌شود؟» روزنامه اطلاعات روز، تاریخ مراجعه: <https://www.etilaatroz.com/۱۳۷۴۵۳>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶
- خاتین اوغلو، دالغا، (۲۰۲۲/۰۳/۰۲)، «روسیه تا کجا تاب و توان تحریم‌ها را دارد؟» دویچه‌وله، تاریخ مراجعه: <https://p.dw.com/p/۴۷۷FG>: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴
- خبرگذاری ایرنا، (۱۴۰۱/۰۲/۲۰)، «روسیه: استفاده از سلاح اتمی بخشی از دکترین نظامی ما است»، تاریخ مراجعه: <https://www.irna.ir/news/۸۴۷۴۷۹۳۵>: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰
- خبرگذاری آنا‌تولی، (۱۴۰۱/۰۱/۰۲)، «کرملین: پوتین ممکن است به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای متوسل شود»، تاریخ مراجعه: <https://www.aa.com.tr/fa/۲۵۴۲۸۳۹>: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹
- دش، جک، (۱۴۰۱/۰۱/۰۳)، «محاسبات اشتباه پوتین»، دیپلماسی ایرانی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۰۷۲۷>
- دخیلی، فاطمه، (۱۴۰۱/۰۲/۱۴)، «آیا بحران اوکراین به جنگ هسته‌ای منجر می‌شود؟»، ایران اکونومیست، تاریخ مراجعه: <https://iraneeconomist.com/fa/news/۴۲۷۵۳۰>: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳



## جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی □ ۱۱۱

سمعی اصفهانی، علیرضا؛ شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۴) «آینده گروهک‌های تکفیری و راه‌کارهای ثبات- بخش دولت سوریه و عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۲۲۷-۱۹۹

عمادی، سینا، (۱۴۰۰/۱۲/۲۳)، «بحران اوکراین و آینده نظم بین‌الملل، دیپلماسی ایرانی»، تاریخ مراجعه:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۰۴۹۷>: ۱۴۰۱/۲/۲۱

فابری، روبرتو، (۱۴۰۰/۱۰/۲۱)، «اتحاد چین و روسیه در برابر دموکراسی غربی»، دیپلماسی ایرانی، تاریخ

مراجعه: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۰۹۶۸۸>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

فرانسیس، تونی، (۱۴۰۰/۱۱/۲۴)، «ترکیه در آرزوی ایجاد توافقی برای حل بحران اوکراین به سبک توافق آستانه»،

تاریخ مراجعه: <http://www.independentpersian.com>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

کوزنتسوف، الکساندرو (۱۳۶۱)، *دو پیمان ناتو و ورشو*، ترجمه منوچهر زمان و پرویز هوشکی، تهران: انتشارات

ابوریحان، ص ۲۹.

گونگ، چان؛ جون، هی، (۱۴۰۱/۰۱/۱۷)، «آیا چین می‌تواند در پرونده اوکراین میانجیگری کند؟» دیپلماسی

ایرانی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۱۰۹۷۶>

مظفری، علی (۱۳۸۸) «آینده پژوهی بستر عبور از مرزهای دانش»، *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، دوره

اول، شماره ۴، صص ۴۷-۲۵.

ماجدی، صادق، (۱۴۰۰/۱۲/۰۹)، «سوئیفت پوتین را از پا در می‌آورد؟» دنیای اقتصاد: تاریخ

مراجعه: <https://ecoiran.com>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

محمدمراد، رضا، (۱۴۰۱/۰۲/۱۴)، «کمک ۳۳ میلیارد دلاری امریکا برای ادامه جنگ اوکراین»، خبرگزاری صدا

و سیما، تاریخ مراجعه: <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۴۳۴۱۳۵>: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

مظاهری، محمدمهدی، (۱۴۰۱/۰۲/۲۷)، «عضویت سوئد و فنلاند در ناتو امنیت اروپا را مختل می‌کند»، اقتصاد

آنلاین، تاریخ مراجعه: <https://www.eghtesadonline.com>: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

ناصرآبادی، زهرا (۱۳۷۹)، *آینده پژوهی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک*، تهران: موسسات

آموزشی و تحقیقاتی ستابع دفاع، ص ۲۵.

وانگ‌بی، (۲۰۲۱/۰۶/۲۹)، «چین و روسیه باید با ویروس سیاسی مبارزه کنند»، آتیه آنلاین، تاریخ مراجعه:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-۱۱۰۴۸۰۹>: ۱۴۰۱/۲/۲۹

همشهری آنلاین، (۱۴۰۰/۱۲/۱۱)، «جنگ روسیه و اوکراین هسته‌ای می‌شود؟ معنای دقیق دستور پوتین؛

بدترین سناریو چیست؟»، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/۶۶۱۰۶۷>

همشهری آنلاین، (۱۴۰۰/۰۱/۰۳)، «سخنگوی کرملین: روسیه در صورت تهدید موجودیتش می‌تواند سلاح‌های

هسته‌ای را به کار ببرد»، «تاریخ مراجعه:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/۶۶۵۷۸۱>: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

همگرایی بیشتر پکن و مسکو، (۲۰۲۲/۰۴/۱۴)، تاریخ مراجعه:

<https://iuvmprss.news/fa/?p=۴۹۴۹۹>: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

## لاتین

- Armani News. 2022, "Will the Russia-Ukraine war become nuclear? The exact meaning of Putin's order; what is the worst case scenario." (Updated August 13) <https://armaninews-ir.translate.goog>.
- Astrov, Vasily, et al., 2022, "Possible Russian Invasion of Ukraine, Scenarios for Sanctions, and Likely Economic Impact on Russia, Ukraine and the EU." (Updated September 2). <https://wiiw.ac.at/possible-russian-invasion-of-ukraine-scenarios-for-sanctions-and-likely-economic-impact-on-russia-ukraine-and-the-eu-dlp-6044.pdf>
- Blum, William. 2014, "the Myth of Soviet Expansionism". **Foreign Policy Journal**. De Maio. May 12(updated September2). <https://foreignpolicy.com>.
- Bishara, Marwan. 2022, "Russia's war and peace scenarios in Ukraine And the unique role of an unlikely mediator, China." (Updated August 13). <https://www.aljazeera.com/opinions/2022/3/18/war-and-peace-scenarios-for-ukraine>.
- Coats, Daniel R. 2018, "Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community." February 13, (updated August9) [.https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Testimonies/2018-ATA---Unclassified-SSCI.pdf](https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Testimonies/2018-ATA---Unclassified-SSCI.pdf), Accessed on: February 10, 2019.
- Chausovsky, Eugene. 2022, "The Russia-Ukraine Conflict: Accelerating a Multi-Polar World". (Updated September17). <https://studies.aljazeera.net>.
- Chermack, Thomas J. 2004, "Improving Decision making with scenario planning." *Futures*, Volume 36, Issue 3, Pages 295-309.
- Chermack, Thomas J. 2015, "The Role of system Theory in scenario planning." **Human Resource Development**, July 2015. Vol.13.
- Friedman, Thomas Al. 2022, "I See Three Scenarios for How This War Ends." (Updated August19). <https://www.omanobserver.om/article/1115494/opinion/international>.
- Gotz, Elias and Merlen, Camille-Renaud. 2018, "Russia and Question of World Order". **European Politics and Society**, pp 1-21
- Giovanna. 2016, "Russia's View of Ukraine after the Crisis", **Instituto Affari Internazionali, Working Papers**, Vol.16, No.4.
- Horovitz, Liviu, Wachs, Lydia.2022. Russia's Nuclear Threats in the War against Ukraine, <https://www.swp-berlin.org/en/publication/russias-nuclear-threats-in-the-war-against-ukraine>. Accessed on20.04.2022.
- HRMMU. 2014. Report on the Human Rights Situation in Ukraine. Geneva: **Office of the United Nations High Commissioner**.
- James, Landel. 2022, "Ukraine: How might the war end? Five scenarios." (Updated August21). <https://www.aljazeera.com/news/2022/3/17>.
- Koziej, Stanislaw. 2022, "Russia-Ukraine war: Scenarios." (Updated September17). <https://www.gisreportsonline.com>.
- MacMahon, Robert. 2014, "Ukraine in Crisis". **Council on Foreign Relations**, (updated September 16. (<http://www.cfr.org/ukraine/ukraine-crisis/p32540>), Accessed on: 2015/1/3.

Martin, J. 1982, *Stories and Scripts in Organizational Settings*; in A. Hastrof & A. Isen (Eds), New York, Elsevier.

New York Times. 2015, "UN Rights Office: Death Toll in Eastern Ukraine Passes 6,000." (Updated September 2 ).

[http://www.nytimes.com/aponline/2015/03/02/world/europe/ap-euunitednations-ukraine.html?ref=world&\\_r=0](http://www.nytimes.com/aponline/2015/03/02/world/europe/ap-euunitednations-ukraine.html?ref=world&_r=0) (Accessed on: 2015/3/3)

Nurlan, Aliyev. 2020, "Military Cooperation between Russia and China: The Military Alliance without an Agreement? July 1, 2020: <https://icds.ee> › military-cooperation-between-russia-and-china

Trenin, Dmitri. 2014, 'the Ukraine Crisis and the Resumption of Great-Power Rivalry'.

**Carnegie Moscow Center**, July 2014, *save Ukraine*, (updated August 9).

<http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/save-Ukraine>

/496444.html, Accessed on: 2016/06/22

Tsygankov, Andrei. 2015, "Vladimir Putin's last Stand: the Sources of Russia's Ukraine Policy". *Post-Soviet Affairs*, Vol.31, No.4